

# نقش در تصویر اسلامی

□ عبدالعزیز بهنسی

● محمود پورآقاسی

نقش عربی، در واقع تقلید تصویری اسلامی است که به علت موانع دینی، یا الگوی فرهنگی قومی، ناکزیر به شکلی درآمد که در ورای آن، تمثیل واقعی پنهان گردیده است. نقش عربی از زمان ساخته شدن مسجد حضرت رسول (ص) در مدینه به وجود آمده است و سپس به صورت کاشیکاری ادامه یافته است. کسانی که این نقشها را ابداع کرده اند از ساکنین مناطقی بودند که نسبت به اسلام متعصب و در استمرار دین خود کوشا بودند، و بدین ترتیب الگوهای محلی به واسطه آنان ادامه یافته و بعضاً تعدیل شده و چنین فرض شده، که ایمان به خداوند را می توان در آن یافت. نقشهای عربی در شهر سامراء به صورتهای مختلفی خود را نمایان کرده است، چنان که هرزفیلد سه سبک جداگانه از آنها را مشخص کرده است. روش اول، که بی ارتباط با سبک هلنی هم نیست، در واقع بازمانده از دوره پارسیان است و عناصری که در این سبک به کار رفته، برگرفته شده از دوره کلاسیک است و به وفور دیده می شود؛ همانند برگهای درختان، و یا در مورد گیاهان، که دارای

ریشه ایرانی است. البته تعدیلهای و اصلاحاتی در این سبک صورت گرفته است.

این شاخ و برگها، به شکلی کشیده شده که هیچ گونه ساقه ای بین آنان را مرتبط نمی سازد و هیچ قلم اضافی در بین آنان دیده نمی شود، به طوری که این شاخ و برگها بر روی یکدیگر افتاده و اشکال در یکدیگر متداخل شده اند، به نحوی که هیچ گونه فاصله خطی در آن یافت نمی شود. البته قابل ذکر است که سطوحی که برای تزئین در نظر گرفته شده، احیاناً به قطعه های چند ضلعی متنوع تقسیم گردیده که هر کدام از این قطعه ها به نوارهای دایره ای شکل مزین شده است. این چند ضلعی ها در روش دوم اهمیت بسیار دارد و همچنین اشکال چهار ضلعی یا معین و یا تصاویر ستاره ای شکل یا گیاهی، تمام تابلوها را پر کرده است. و این چند ضلعی های هندسی، با اشکال و تصاویر گیاهی غیرطبیعی، همانند روش اول مزین شده است. روش دوم، بیشتر نقش و نگارها تحریری است و از نظر مقیاس کوچکتر از روش اول است و

● این سبکهای سه گانه و مخصوصاً این روش سوم، بیشتر متأثر از سبکهای هلنی است و در بیت المقدس و کاخ مشتی نیز دیده می شود. سبک گچ بریهای دوره عباسی، با گچ بریهای اموی خیلی شبیه به یکدیگر هستند، و اشکال گیاهی و نباتی در هر دو جا دیده می شود.

بیشترین چیزی که در آن گنجانده شده، نقشهایی مانند درخت صنوبر است، احتمالاً این روش متأثر از ساسانیان می باشد.

روش سوم، از گونه های متفاوتی تشکیل شده است، و به نحو خاصی از طبیعت الهام گرفته است، و عناصر گیاهی در آن بیشتر به چشم می خورد، مثلاً برگ انگوری به خوشه انگوری متصل شده است. و هرزه‌بند، آن را گونه سوم می نامد، و در واقع این سبک متعلق به منطقه ای مخصوص است، این منطقه در حفاریهای اخیر و در کناره راست نهر فرات کشف شده است. در قرن هفتم، تزیینات گچی که بیان کننده روش سوم و مختص به شهر سامراء بود، به دست آمد. این شیوه های سه گانه، دارای خصوصیات مشترکی هستند که قابل انتقال از یکی به دیگری است، بدون اینکه فاصله ای میان آنها وجود داشته باشد. این سبکهای سه گانه و مخصوصاً این روش سوم، بیشتر متأثر از سبکهای هلنی است و در بیت المقدس و کاخ مشقی نیز دیده می شود. سبک گچ بریهای دوره عباسی، با گچ بریهای اموی خیلی شبیه به یکدیگر هستند، و اشکال گیاهی و نباتی در هر دو جا دیده می شود، اما در سبک گچ بری سامراء، استفاده از عناصر تقلیدی، بدون استفاده از تزیینات فراوان بخوبی دیده می شود، که بیشتر از اشکال چند ضلعی یا نوارهای مخصوصی، استفاده شده است. در سامراء تزیینات تصویری نیز دیده شده است، به این معنا که شهر سامراء نمونه های متعددی از تصویرهای تزیینی را که شامل تصاویر آدمی و حیوانات باشد، در خود جای داده است. و این امر مؤید آزادی فکری بزرگان قوم آن زمان این شهر به شمار می رود.

از میان حیوانات پلنگ، خرگوش، سگ و بزکوهی و گاومیش و عقاب و کبوتر و همچنین پرندگان آبی مانند لک لک مرغ ماهیخوار و اردک را می بینیم. همچنین در زیر زمین کاخ، ستونها با تصاویر حیوانات پوشیده شده است. در آنجا تصاویر انسانها با عکسهایی از زنها بدون تنه، یا

زنانی که حامل سینی هستند و یا حیوانات دریایی مانند پری دریایی و همچنین صورت کشیشان کلیسا به تصویر کشیده شده است. در این تصاویر، بعضی از قطعات مربوط به دوره هلنی را می بینیم که با آنچه که در حمام کاخ عمره مربوط به دوره اموی دیده می شود، متفاوت است. این نقشها، رنگی روشن تر و پررنگ تر دارند، مسطح هستند و از هرگونه شکل و محتوای هنری خالی است، و محدود به چند خط واضح سیاه رنگ است که مفهوم خود را با تصاویر گیرایی، بیان می نماید، و این سبک، بهترین نوع در گچ بری آسیایی به شمار می رود.

#### نقش هندسی

این نقش، گذشته از اینکه فضای مسطح یا محدب را اشغال می نماید، به صورت یک تزیین سطحی است که برای تزیین احتیاج به کنده کاری مسطح مورد نظر ندارد و علاوه بر آن، به طور واضح، پراکندگی در آن یافت نمی شود، برای اینکه در دو سطح متفاوت قرار نمی گیرند و این نقوش، به صورت ملایمی با یکدیگر مرتبط می گردند. به طور واضح عناصری که در سطح بالاتری قرار می گیرند، نحوه قرار گرفتن آنها به شکلی است که از سطح دیواره شئی، به اندازه رنگ خود شئی است و از آن تجاوز نمی کند. در تمامی اجزاء تابلو، بین عناصر روشن و تیره، و بین جاهای خالی و جاهای پر شده، باید نوعی تناسب وجود داشته باشد. چه اگر اقتضا نماید که تمامی سطح داخل تابلو، با خطوط معماری تزیین گردد، باید کثرت و فراوانی رنگ این تزیین یکسان باشد، در غیر این صورت ممکن است که فراوانی رنگ یک قسمت نسبت به بخش دیگر، یکسان و یک رنگ نباشد.

تناسب متغیر بین جاهای خالی، و جاهای پر و بین جاهای روشن و تیره و همچنین عرض اشکال و عمق صور متغیر در ارزش رنگ تابلوها، تنوعی ایجاد می کند و بنابر تحلیل آقای مارسسی، عنصر اساسی که تزیینات بر مبنای آن صورت



● از میان حیوانات  
پلنگ، خرگوش، سگ  
و بزکوهی و گاو میش  
و عقاب و کبوتر و  
همچنین پرندگان آبی  
مانند لک لک، مرغ  
ماه‌خوار و اردک را  
می بینیم. همچنین در  
زیر زمین کاخ،  
ستونها با تصاویر  
حیوانات پوشیده  
شده است. در آنجا  
تصاویر انسانها با  
عکسهایی از زنها  
بدون تنه.

روی پنجره‌های آن کار شده و از سنگ  
تزیینی ساخته شده است، و دارای  
شکلهایی از خطوط ممتد با خصوصیات  
هندسه اسلامی است. همچنین محراب  
بارگاه حضرت نفیسه (ساخته شده بین  
سالهای ۱۱۳۸ و ۱۱۴۵ م) و محراب حضرت  
رقیه (س) ساخته شده در حدود سال  
۱۱۵۰ م) تقریباً به صورت کامل از همان  
تزیینات و با خطوط ممتد می باشد.  
تزیین کننده در ابتدا به تقسیم سطح  
خطوط و محورهای افقی و عمودی  
پرداخته و سپس نقاط حساس و قابل  
اتصال را به نحوی با یکدیگر مرتبط  
ساخته و چند ضلعی‌هایی را به شکل  
ستاره به وجود آورده است. و این چند  
ضلعی‌ها به خطوط شکسته ای محدود  
می شود. به نحوی که زوایای جداگانه با  
زوایای نزدیک با فاصله از هم قرار  
گرفته اند، گسترش این اشکال در واقع  
تبدیل به ستاره هشت پر می شود که تمامی  
زوایای بیرونی آن به صورت قائمه  
در می آیند. هریک از این ضلعها به خارج از  
چند ضلعی مرکزی کشیده شده و سطوح  
جدیدی ایجاد می شود و به چند

می گیرد و هرگونه خط انشایی به آن  
محدود می شود و می بایست بر آن درنگ  
نمود. در واقع نخ یا نواری است با عرض  
ثابت. اولین کاری که نقاش عربی بدان  
می پردازد این است که خطی را مشخص  
نماید که دارای نخ‌ی است و به نحوی با  
یکدیگر هماهنگ شده، که در یک نگاه آن را  
بافته شده می بینی و در نگاه دیگر آن را  
جدای از یکدیگر می توان دید. این کار نقاش  
یا خطاط، نوعی خاص از مهارت را طلب  
می کند. تزیینات اسلامی در واقع نوعی  
انشاء حدسی است. و هنرمند نقاش هرگز  
آنچه را که طبیعت به او عرضه می دارد  
فراموش نمی کند بلکه او آنچه را که  
مجسمه سازان و کاشیکاران و کسانی که  
قبل از او بوده اند و به او داده اند منتقل  
می سازد. بنابراین می توان گفت، چهار  
عنصر مجموعه اشکال تزیینی را شامل  
می شود، که عبارتند از: خط، نقش هندسی،  
نقش گیاهی، نقش چوبی. این عناصر،  
مجموعاً سازنده تزیینات ساختمانها و در  
برگیرنده هنر تطبیقی به شمار می روند.  
مناره های مسجد حاکم، ساخته شده  
به سال ۱۰۰۳ م، دارای کتیبه‌هایی است که

ضلعی‌هایی مانند چند ضلعی اول تلاقی می‌کند که در واقع مرکزی برای هماهنگی شعاعهای جدید است. این چند ضلعی‌ها با خطوط ساده مشخص نمی‌شود، بلکه در آنها خطوط مزدوج به کار رفته است و این عنصر اساسی در نقش عربی به شمار می‌رود. این خطوط به صورت یک شبکه از یک چند ضلعی به چند ضلعی دیگری، راه خود را دنبال می‌نمایند. در ابتدا این خطوط به صورت نواری به جلو و عقب رفته و اجزاء آن به صورت یکی در میان یکی بالا و یکی پایین حرکت نموده، بعد از آن تزیین خطی بر روی آن منطبق می‌گردد. این خط تزیینی قائم بر خطوط، خواه مستقیم باشد، خواه منحنی، می‌توان چنین فرض نمود که کاربرد آن را در شبکه‌های منحنی، برای اولین بار، کاشیکاران هلنی، استفاده کردند، و ما برای اولین بار با این شبکه‌های منحنی شکل بر روی دیواره منبر شهر قیروان تونس برخورد نمودیم.

#### نقش گیاهی

در کارهای تزیینی دوره فاطمی، از نوارهای ظریف، به همراه چند ضلعی‌هایی که مرکب از تزیین گیاهی بود، به کار گرفته شد. این تزیین شامل دو عنصر مختلف بوده، و این امکان را به ما می‌دهد که نحوه تکامل هر یک از آنها را به صورت مستقلى پس از چند قرن دنبال نماییم. عنصر اول نوار مارپیچی شکل است که تمامی اتصالات و افتراقات در آن صوت می‌گیرد و به تنهایی سطوح را می‌پوشاند، عنصر دیگر اشکال پهن و گسترده‌ای است که جاهای خالی را زینت می‌دهد و شبکه‌ها را پر می‌نماید.

عناصر طبیعی تشکیل دهنده عبارتند از: شاخه‌ها، شاخه‌های درخت خرما، و گله‌ها، که بیشتر از نوع ریشه‌های پیچیده درهم تشکیل شده است. این خطوط پیچیده شده درهم و در عین حال منظم هستند، از این ساقه‌ها، برگهایی به جهات مختلف روئیده و به صورت‌های توخالی و خمیده کشیده شده‌اند. اعتقاد بر این است که ریشه‌های پیچیده و درهم، در واقع اولین

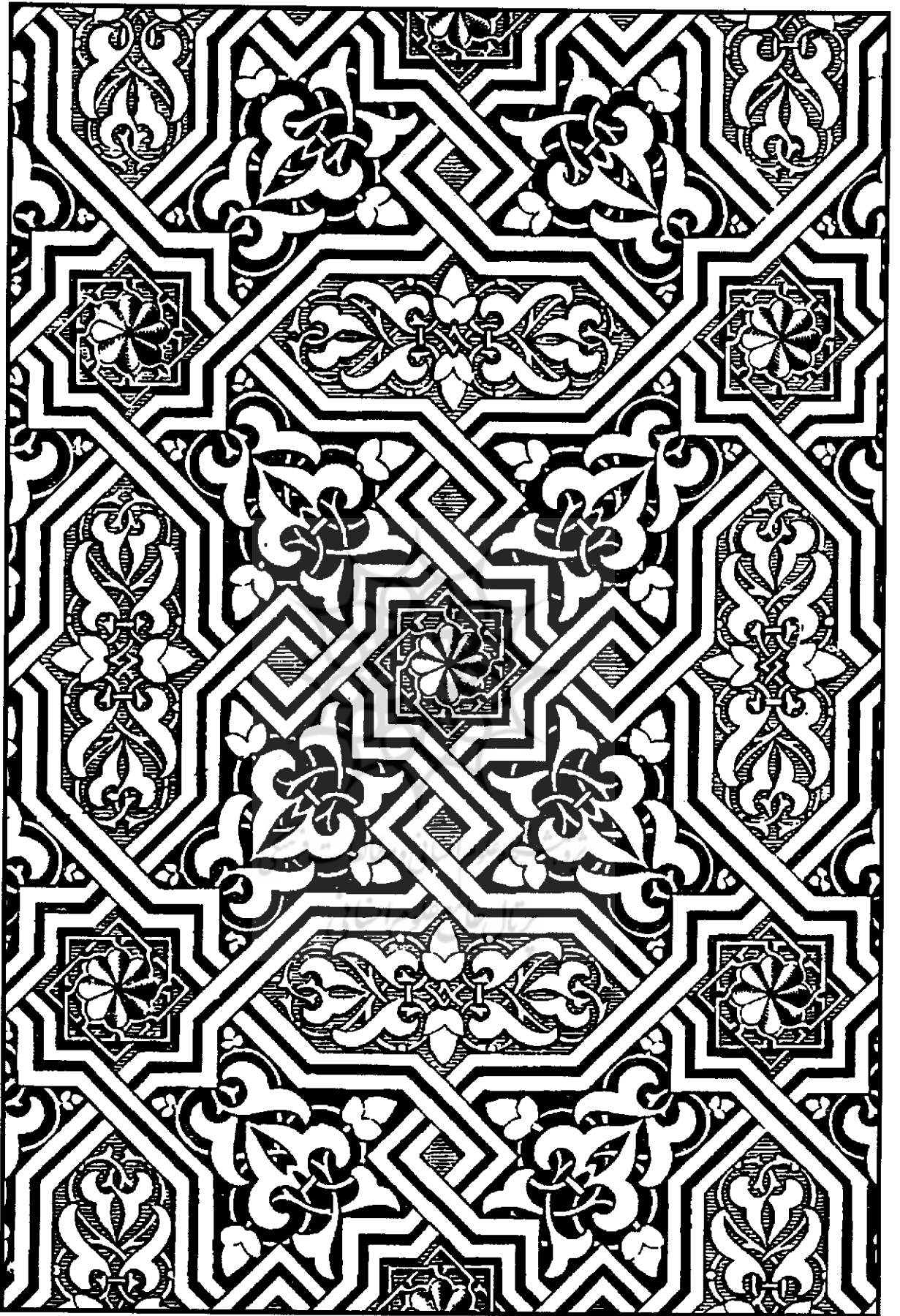
شکلی است که نقش عربی از آن گرفته شده است، این شکل به صورت منحنی‌هایی است که یکی به دنبال دیگری است، و به شکل منحنی‌های واژگون قرار دارد.

در بخش دیگری از این نقش، دسته‌ای از ساقه‌ها را می‌بینی که به صورتی به یکدیگر بافته شده و به صورت ستونی درآمده است. البته شناخت و تمییز این نوار که همان عنصر خاص می‌باشد و دارای شبکه‌هایی است و بین ریشه گیاهی، بسیار سخت و دشوار است، به طوری که هیچ‌گونه جدایی در اصل برگ و انتهای ساقه‌ای که آن را حمل می‌کند، وجود ندارد. و این برگ یا به معنای دیگر، شاخه‌ها، چیزی جز برآمدگی و کشیدگی در انحنا ساقه نیست، شکافی که همراه با ساقه‌ها امتداد می‌یابد به شکل ریشه درآمده و به طور متوسط، بین دانه‌ها و یا گله‌ها، تقسیم می‌شوند.

یکی از شاخه‌ها ممکن است، امتداد یابد و ساقه جدیدی را تشکیل دهد، در سقف مسجد بزرگ قیروان، این گونه نقشها که نقاش در ترسیم آنها از عناصر طبیعی استفاده کرده، زیاد به چشم می‌خورد. تمییز دادن بین گیاهان و اشکال گیاهی در تزیینات دوره فاطمی، تقریباً غیرممکن است. خوشه‌های درخت خرما و همچنین گله‌ها به صورت جدا قرار گرفته‌اند. بعضی از خوشه‌های خرما به صورتی آویخته در نقش گیاهی سامراء و بعضی از گله‌ها، دارای برگهایی فشرده هستند، و در واقع جزئی از گروه گله‌های لوتس به شمار می‌روند. تزیینات گیاهی فضای وسیعی را در مسجد کوردویا و شهرالزهراء به خود اختصاص داده است، و به‌طور تعجب‌آوری، سبک و الگویی را به وجود آورده که از آن نیز گونه‌های متنوعی پدید آمده است.

خوشه‌ها، مهمترین گیاه تزیینی در آفریقا (تونس) به شمار می‌روند، و همراه آن خوشه‌ها، انگور و چیزهای دیگر نیز یافت می‌شود. اما گیاه تزیینی کرنتی که نوع خاصی است، در مکانهای متعدد و با شیوه‌های متفاوتی دیده می‌شوند، این

● تناسب متغیر بین جاهای خالی، و جاهای پر و بین جاهای روشن و تیره و همچنین عرض اشکال و عمق صور متغیر در ارزش رنگ تابلوها، تنوعی ایجاد می‌کند و بنابر تحلیل آقای ماریسی، عنصر اساسی که تزیینات بر مبنای آن صورت می‌گیرد و هرگونه خط انشایی به آن محدود می‌شود و می‌بایست بر آن درنگ نمود.



گل‌های هلالی شکل به صورت امری جانبی خود را نمایان می‌سازند، و دارای دو مثلث بزرگ هستند که شاخه از آن جدا گردیده است.

برگ گیاهان که به صورت دوگانه هستند، عناصر اصلی تشکیل دهنده تزیینات به شمار می‌روند، یکی تزیینات گیاهان پیوندی و دیگر تزیین گیاهی مجزا می‌باشند و هر کدام، با دیگری تفاوت‌هایی دارند. تزیین گیاهی پیوندی خیلی کمتر از آن است که به دوره عباسی تعلق داشته باشند و از نظر تعداد، نیز اندکند؛ ولی اینها هم مانند تمامی تزیینات در دوره متعلق به خودشان زیاد بودند و به مرور با دیگر تزیینات آمیخته گردیدند، اما تزیینات گیاهی مجزا، از جهت وسعت، گسترده است و در واقع، تزیینی است که زهد مذهبی در آن متجلی است و فضای باز زیادی را ایجاد می‌کند. بطوری که احياناً آدمی احساس فقر می‌نماید (چنان که در محراب تین‌هال دیده می‌شود) و به مرور، این برگ‌های کاکتوس، به جهت تاثیر فرهنگ تونسسی، آفریقا، که همان فرهنگ فاطمی است، برگ‌های خود را از دست می‌دهد و کم‌رنگ‌تر می‌گردد. و امکان ندارد که از جریانات شرقی که در دوره اموی بر اسپانیا گذر کرده غفلت نمود. تزیینات کهنه کاری شده رنگی بر روی سقفهای مسجد کوردوبا، تاثیرات روشنی را از هنر فاطمی در مصر، به نمایش می‌گذارد. تزیینات گیاهی اسپانیولی مغربی، از دو نوع گیاه تشکیل می‌شود و به صورت شبکه ای دقیق، از ساقه و ریشه پدیدار گشت، که تزیینات بافته شده دور آن را احاطه کرده و یا از شاخه‌های مزدوج که از گیاهان کاکتوس جدا گردیده و صاف است و یا با ریشه تزیین شده و یا از شاخه‌های سه تایی ساده تشکیل می‌گردد. یکی از بخش‌های کاخ الحمراء با تزیینات گیاهی، مفرد، با اشکال عجیب و غریب و به تقلید از هنر اسلامی تزیین شده است.

نقش تصویرهای تشبیهی رمزی

جدای از این مجموعه، عناصر خطی که

در دوره فاطمی در تزیینات به شیوه متمایز اسلامی مورد عنایت قرار گرفته بود، گروهی از این تزیینات در قید و بند قرار نگرفته و همچنان استوار ایستاده که عبارتند از، تزیینات موجودات زنده که شامل تصویر انسان و حیوان است و تزیین کنندگان این دوره، از این شیوه‌ها در مکانهای مختلف استفاده کرده‌اند، البته به جز مکانهای مذهبی، که بدون شک، در این مکانها، چیزی در این مورد یافت نمی‌شود. متنهای تاریخی به کرات از این تصاویر یاد می‌کنند، همچنان که موزه‌ها تعداد زیادی از اینها را نگهداری می‌نمایند و بر تعداد زیادی از این اشیاء و زینت آلات، دست یافتند. بیشترین نمونه از این مجموعه‌ها، قطعه‌های تراشیده شده چوبی است که در موزه عربی قاهره نگهداری می‌شود و به عنوان قطعه‌ای از یکی از کاخهای دوره فاطمی به شمار می‌رود.

در اینگونه تزیینات، ما چیزهای تزیینی مثل مدالهایی را می‌یابیم که به وسیله دو نوار مشبک احاطه شده، و مجموعه‌ای از تصاویر و اشکال به صورت برجسته، اعم از تزیینات گیاهی بافته شده، آنرا در برگرفته است، این اشکال، در واقع اشباح نیست، بلکه تصاویری زنده از رنگ و حرکت خطوط در آن آشکار شده است و مناظری چون شراب، موسیقی، رقص و شکار و مبارزه و سفر را مجسم می‌سازد. بیشتر موضوعات این تابلوها، عبارت بود از لهو و لعب و ورزش، که بزرگان قصر آن را انجام می‌دادند و یا حداقل نمونه بارزی از زندگی بزرگان و امرا بود که از شرق به کاخهای اسلامی راه یافته بود. بدون شک، اکثر این اشکال و تابلوها، ریشه‌ای فارسی یا عراقی داشته‌اند و این تصاویر، به نحوی با گونه‌های آسیایی خود، نسبتی خاص داشتند، خصوصاً مجموعه‌هایی از حیوانات وحشی که حیوانی را از ناحیه کردن گرفته و آن را به زمین زده‌اند شاید شناخت منبع اصلی این حیوانات، کار بسیار دشواری باشد، اما نسبت به بقیه عناصر زینتی فاطمی، این گونه نیست، پس تمدن مصر، در قرن

و تنوع شکلهای و اختلاف رنگها و همچنین عناصر خطی به کار گرفته شده در هر تابلو، نوعی آزمایش و رضایت به آدمی می دهد.

یازدهم و دوازدهم چگونه توانست اسلوب و سبکی را به وجود آورد که به مبادی این شبکه های هندسی و عناصر گیاهی، دست یابد؟ این سخن درست نیست که گفته می شود، هنرمند مسلمان، برای خلق یک شکل از این نقشها، دریاها و اقیانوسهای زیادی را در نور دیده است.

مثال بارز در مورد تصویرهای زنده متداخل با تزیینات را کاخ گراناادا در اسپانیا به ما عرضه می کند، کاخی که بنوعی آن را ساخت، علاوه بر آن نکته قابل توجه در خصوص تابلوی چشمه معروف آن، این است که تصویر اشخاص موجود در برج زنان که به وضوح کشیده شده، از کارهای دوره اسلامی است.

بی تناسب نیست در اینجا اضافه نماییم که این گونه کارهای تقلیدی در مورد عناصر خطی در دوره 'موحدی آشکار گردیده است که ابتدا از قرن سیزدهم و ساختمانها و کاخها، آشکار گردید و ما می توانیم نام این گونه تزیینات را شبکه های معماری بگذاریم، که از قوسها و چند ضلعی های معینی تشکیل شده مقابل یکدیگر قرار گرفته اند. شبیه آنچه که در گلدسته ها، با آن مواجه می شویم. و از بیشتر کاشیکاریهای مثلثی برتری دارد.

پوششهای تزیینی که از ابتدای قرن نهم، گاه و بیگاه در سامراء مورد استفاده قرار گرفته، و از آثار ماندگار دوره سلجوقیان به شمار می رفت، در دوره تیموریان به اوج کمال رسید، و آن را در قلم کاری نقش عربی و زیبایی میناکاری مسجد کبود تبریز می توان دید، که هرگز قابل وصف نیست. این پوشش رنگی برآق که احیاناً بر روی آجرهای رنگی و یا ملاطی که شبیه آجر هستند، قرار گرفته، مساحت زیادی را می پوشاند، و در واقع از دیگر تزیینات بی نیاز و مستغنی است در مسجد کبود، مجسمه هایی دیده می شود که هیچ گونه تراشه هایی آن را احاطه نکرده است، مع ذلک به صورت یک پدیده 'زیبایی درآمده که به دور از هرگونه عیب و نقص می باشد. نتیجه 'ارزش این پدیده' رنگی از میان رنگ های مختلف آبی آن نشأت گرفته،



پوششگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی